

به زنان در بند افغانستان و ایران.

... بسوی آزادی [۱۷]

زن!

ای مدفون شده به زیر آوار

بنگرکه و حشیان از "سر زمین بی نسب"

با خود فروشان خَشُوک،

همدستانند

وبرگور قامت سنگ آماج

زهر آگین خار می کارند

تا کس ، دستی نکشد بر مزار عفتِ تاراج شده ات

(از برای انتقام)

و حک می کنند بر لوح آرامگه ات:

" ایست !

اینجا زنی ست گنهکار

بر قامتش باریده سنگ

بر پیکرش غلتیده دیوار "

۲۲۲

زن!

ای سوگوار خونین تن
 گرچه در اسارت پرده ئی
 و پرده، در حصار دیوار
 و دیوار، در چنبرِ حد
 و حد را مولودات "سیا"، دیده بان.
 گرچه پنجه هایت را ببریده گرگان
 پرده را بدر با دشنه ای دندان
 بکوب بر هرچه دیوارست
 گرچه نماش پایدارست
 از چنبر هم برآ
 گرچه افسونگرانش، سیه کارست
 وز حد هم، بگذر
 که حد را هم حدی باشد
 بشتاب بسوی آزادی!
 که همراز و همسوز و هم فریاد توست "راوا" (*)
 ای دست سبز تو زایشگر هنگامه ها!

ح ح ح

■ [۱۷]: "بسوی آزادی" درمارچ ۱۹۹۹ سروده شده، در شماره ۵۱ سرطان ۱۳۷۸- جون ۱۹۹۹ مجله "پیام زن" و در شماره ۷۷۰- ۲۱ مارچ ۲۰۰۳ نشریه "شهروند" چاپ شده است.

(*) - توقع می رود سروده "بسوی آزادی" در قید زمانی اش مطالعه شود.